

نقش علمای فارس در حرکت‌های اعتراضی منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی ایران^۱

محمد رضا محمدجانی^۲

مهدی خوشرو^۳

چکیده

برنامه‌ریزی‌ها، اقدامات و رویدادهای گسترده و عمیقی دست‌به‌دست هم دادند تا بالاخره در بهمن ۱۳۵۷ با سرنگونی حکومت پهلوی، انقلاب اسلامی ایران پس از سال‌ها مبارزات مردمی به پیروزی رسید. در این میان طبقات، اقشار و گروه‌های مختلف جامعه به فراخور دیدگاه و جایگاه خود ایفای نقش کردند. علما و روحانیون به عنوان پیشگامان مبارزه در این نهضت از مهم‌ترین و مؤثرترین اقشار در پیروزی انقلاب اسلامی بودند، به شکلی که نه تنها در پایتخت، بلکه در شهرهای گوناگون به نقش‌آفرینی پرداختند؛ در این زمینه استان فارس به عنوان یکی از مهم‌ترین کانون‌های مبارزه در این عرصه محسوب شده است. این پژوهش با هدف بررسی نقش علمای فارس در حرکت‌های اعتراضی منتهی به انقلاب اسلامی با رویکرد توصیفی-تحلیلی و روش کتابخانه‌ای انجام شده است. سؤال اصلی این پژوهش این بوده است که: علمای فارس چه نقشی در شکل‌گیری و هدایت اعتراضات و اتفاقات منجر به انقلاب اسلامی در استان فارس به‌ویژه شهر شیراز داشته‌اند؟ یافته‌های پژوهش حاضر گویای این واقعیت‌اند که علمای فارس در طول مبارزات انقلابی مردم ایران در فاصله سال‌های ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۷ به عنوان هدایت‌کنندگان انقلابیون در یکی از مهم‌ترین کانون‌های مبارزه (استان فارس) نقش و تأثیر قابل توجهی ایفا کرده‌اند. شخصیت‌هایی چون شهید آیت‌الله دستغیب، آیت‌الله محلاتی، آیت‌الله آیت‌اللهی، آیت‌الله پیشوا، آیت‌الله حائری و... به‌واسطه‌ی جایگاه معتبری که نزد مردم استان فارس داشته‌اند تصمیمات و اقدامات

۱- این مقاله برگرفته‌شده از پایان‌نامه کارشناسی ارشد مهدی خوشرو با عنوان «تأثیر علمای فارس بر رویدادهای انقلاب اسلامی تا پیروزی» است.

۲- استادیار گروه علوم سیاسی دانشکده حقوق و علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز (نویسنده مسئول)؛
پست الکترونیکی: mohamadjaani@gmail.com

۳- کارشناس ارشد علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز

تأثیرگذاری در جریان مبارزات مردم فارس اتخاذ کردند که در حرکت‌های اعتراضی منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی بسیار مؤثر واقع شد.

واژگان کلیدی: علمای فارس، حرکت‌های اعتراضی، مبارزات انقلابی، استان فارس، انقلاب اسلامی ایران.

مقدمه

پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری روحانیت بیدار و هشیار که در رأس آن خمینی کبیر «سروش بیداری» قرار داشت، عامل تحولات مهمی در منطقه و جهان شد. یکی از قدرتمندترین نهادهایی که در تاریخ سیاسی ایران همواره فعالیت داشته، نهاد روحانیت است. در دوران ده‌ساله پیش از انقلاب، احزاب و گروه‌های سیاسی-مذهبی مختلفی مستقیم و غیرمستقیم درگیر مبارزه با رژیم پهلوی شدند که از ابعاد مختلف پایه‌های رژیم پهلوی را هدف قرار دادند؛ هر چند پایه‌ی اصلی مخالفت در تهران بود اما اگر حمایت همه جانبه و سراسری مردم در تمام استان‌های ایران نبود، بی‌شک سرعت به ثمر نشستن این مخالفت‌ها کمتر و فرایند به ثمر نشستن انقلاب طولانی‌تر می‌شد. در استان فارس نیز احزاب و گروه‌های مختلف توانستند با بسیج مردم و ساماندهی تظاهرات منظم و هدفمند شور انقلابی عظیمی ایجاد کنند. هرچند در این فرآیند تمامی احزاب، افراد و گروه‌ها نقش داشتند، اما روحانیون به عنوان یکی از تأثیرگذارترین این گروه‌ها در تمامی کشور نقش کلیدی و مهمی ایفا کردند (رضوی اردکانی؛ ۱۳۸۵، ص ۵۵). در خصوص روحانیون مطرح در پایتخت و نقش و تأثیر این علما و روحانیون در شکل‌گیری هسته‌های مبارزه علیه رژیم پهلوی و روشنگری جهت آشنا سازی اقشار مردم، تحقیقات و مستندات بسیاری موجود است و بیشتر مطالعاتی که درباره روحانیت صورت گرفته است محدود به ارتباط آن با حکومت و ساختار قدرت سیاسی بوده است و در موارد محدودی به بررسی قدرت مراجع عظام، علمای اسلام و ساختار حوزه‌های علمیه و ساختار اقتصادی آن‌ها پرداخته شده است. اما کمتر تحقیقی است که به نقش و تأثیر روحانیون و علمای شهرستان‌ها در به حرکت درآوردن و هدایت جنبش‌های مردمی قبل از انقلاب و پیروزی انقلاب اسلامی پرداخته باشد. این تحقیق به نقش و تأثیر علمای فارس در هدایت و جهت‌دهی به حرکت‌های اعتراضی مردم که منجر به پیروزی انقلاب اسلامی شد پرداخته است. در این پژوهش ما به دنبال پاسخ به این سؤال هستیم که علمای فارس چه نقشی در حرکت‌های اعتراضی منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی ایران داشتند؟ برای پاسخ به این سؤال با رویکرد توصیفی-تحلیلی و با استفاده از روش کتابخانه‌ای، به جمع‌آوری اطلاعات از طریق بررسی کتب، مقالات و پایان‌نامه‌ها، از

طریق مراجعه به کتابخانه، مراکز پژوهشی و اینترنت پرداخته شد و پس از آن، داده‌ها و اطلاعات گردآوری شده با استفاده‌ی بهینه، استدلالی و عقلی برای ارائه‌ی مطالب و نتایج پژوهش مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

پیشینه پژوهش

احمد بهبهانی زاده (۱۳۹۳) در کتابی بنام «پیشگامان انقلاب اسلامی در فارس» در بخشی از آن بیان می‌دارد: با تحریم عید نوروز از سوی مراجع تقلید، مأموران رژیم پهلوی در دوم فروردین ۱۳۴۲ به مدرسه فیضیه حمله کردند و به ضرب و شتم طلاب پرداختند تا به این ترتیب روحانیت را مرعوب ساخته، از ادامه مخالفت بازدارند. این حادثه غم‌انگیز که در نوع خود بی‌نظیر بود، برخلاف انتظار حکومت موجب شد تا بخشی از روحانیان انقلابی بر شدت حملات خود به دولت بیافزایند و آیت‌الله خمینی (ره) که تا پیش از این نیز با لحنی صریح‌تر از سایر مراجع به حکومت انتقاد می‌نمود در ۱۳ فروردین ۱۳۴۲ در بیانیه‌ای که به بیانیه «شاه‌دوستی یعنی غارتگری» موسوم شد، در اظهار نظر فتوا گونه‌ای تقیه را حرام اعلام کرد. این نظر انقلابی تأثیر زیادی بر نگرش و رفتارهای سیاسی گروه‌های مختلف داشت. و روحانیون فارس به‌شدت از آن استقبال نموده و در ادامه راه نقشی پررنگ ایفا نمودند.

منصور نصیری طیبی (۱۳۹۳)، در کتابی بنام «انقلاب اسلامی در شیراز» در بخشی از این کتاب بیان می‌دارد که: تاریخ تشیع همواره شاهد حضور عالمان گران‌قدری بوده که برخی از آنان در عین برجستگی در عرصه علمی و دینی و حوزه اندیشه اسلامی، در صحنه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، سیاسی نیز نقش حساس تعیین‌کننده و غیرقابل‌انکاری داشته‌اند.

جلیل عرفان منش (۱۳۷۶) در مقاله خود با عنوان «نهضت پانزده خرداد در استان فارس» بیان می‌دارد: با اوج‌گیری مبارزات و مخالفت‌ها علیه اقدامات رژیم و نفوذ آیت‌الله محلاتی در میان مردم فارس و حمایت‌های مادی و معنوی آیت‌الله دستغیب، ارتباط مستحکمی میان نهضت روحانیون و مردم فارس به وجود آورد. تلاش رژیم برای سرکوبی قیام مردم با استفاده از نیروهای محلی، به شکست منجر شد. مقاومت و پیروزی‌های پی‌درپی مردم، رژیم را کاملاً آشفته و مضطرب کرده بود.

۱. حوادث فروردین سال ۱۳۴۲ در استان فارس

یکی از مهم‌ترین نقاط عطف مبارزه مردم فارس با رژیم پهلوی در سال ۱۳۴۲ با سخنرانی آیت‌الله سیدعبدالحسین دستغیب در روز اول فروردین در مسجد جامع شیراز آغاز شد. این سخنرانی در واکنش به حوادث اسفند سال ۱۳۴۱ و اقداماتی که شاه به‌عنوان آزادی‌زنان انجام داده بود و جمعی از زنان شیرازی نیز در ۱۳ اسفند با تجمع در میدان شهرداری از آن حمایت کرده بودند انجام شد، از جمله اقدامات شاه بحث حق رأی زنان بود. این اتفاقات با واکنش علمای دیگری نیز همراه بود. در روز دوم فروردین نیز سید معین‌الدین فالی نسبت به این اتفاقات واکنش نشان داد. اما مهم‌ترین اتفاقات سال ۱۳۴۲ پس از حمله مأموران امنیتی به فیضیه قم در روز شهادت امام صادق (ع) رخ داد. (باقری؛ ۱۳۷۸، ص ۶۳) پس از این اتفاقات در سوم فروردین‌ماه سال ۱۳۴۲، آیت‌الله بهاء‌الدین محلاتی با ارسال نامه‌ای به علمای قم نوشت: «می‌خواهیم قیام کنیم، دین ما رفت. چرا بی‌کار نشستید؟ هرچه زودتر تکلیف را معلوم کنید. مردم شیراز در انتظار شما می‌باشند و باید با ما همکاری کنید». علمای قم در پاسخ به آیت‌الله محلاتی ایشان را به صبر و بردباری دعوت می‌کنند، سپس آیت‌الله محلاتی با رایزنی با سایر علمای شیراز در تاریخ هشتم فروردین سال ۱۳۴۲، قطعنامه‌ای را در مورد حوادث فیضیه قم صادر می‌کند. آیت‌الله سیدعبدالحسین دستغیب نیز در ۱۵ فروردین‌ماه، طی سخنانی در مسجد جامع، ضمن انتقاد از وضعیت زنان به نام آزادی، از مردم خواست هنگام اذان، همه و در هر کجا، اذان را با صدای بلند برای اعتراض بگویند. هم‌زمان با این اتفاقات، درگیری عشایر با حکومت نیز در سایر شهرها ادامه داشت. در این روزها طایفه موصوله قشقایی در کازرون و قیر، با نیروهای نظامی درگیر بودند. در ۲۲ فروردین‌ماه پس از برگزاری مراسم دعای کمیل، آیت‌الله سید عبدالحسین دستغیب نسبت به تکریم علما تذکر داد. دو روز بعد یعنی در تاریخ ۲۴ فروردین‌ماه نیز، علمای شیراز با انتشار بیانیه حمایت خود را از مراجع قم به‌ویژه امام خمینی اعلام می‌دارند و اهانت به ایشان را اهانت به خود می‌نامند. از یازدهم اردیبهشت‌ماه نیز رفت‌وآمدها و منزل آیت‌الله سید عبدالحسین دستغیب تحت کنترل قرار می‌گیرد. (باقری؛ ۱۳۷۸: ص ۶۴) در پی اعتراض علمای شیراز به اقدامات رژیم در تاریخ ۱۳ خرداد مصادف با تاسوعای حسینی، پس از عزاداری گسترده و درحالی‌که جمعیت زیادی در مسجد نو جمع شده بودند؛ ابتدا سید مجدالدین مصباحی و سپس آیت‌الله سید عبدالحسین دستغیب به منبر رفتند. در این منبر، آیت‌الله سید عبدالحسین دستغیب دستگاه حاکم فعلی را با دستگاه حکومت یزید مقایسه و ضمن اعلام این‌که امروز تقیه و سکوت حرام

است خواستار روشنگری در هر مجلس و محفلی شد. در روز بعد، یعنی ۱۴ خردادماه نیز آیت‌الله محلاتی در مراسم منزل خود و در خلال مجلس روضه‌خوانی، از مردم خواست تا در برابر دستگاه جبار حاکم و دولت طاغوتی دست به قیام مسلحانه بزنند (نقیب‌زاده، ۱۳۸۲، ص ۱۰۲).

۲. واکنش مردم شیراز به بازداشت امام خمینی در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲

بعد از انتشار خبر بازداشت امام خمینی (ره)، عده‌ای از مردم شیراز از زن و مرد در مسجد جامع عتیق جمع شدند. همه منتظر آمدن آیت‌الله دستغیب به مسجد بودند. در این اثنا عده‌ای با پیراهن مشکی با شعار حسین، حسین به مسجد جامع وارد شده و گفتند آیت‌الله دستغیب به مسجد نو رفته است. لذا همه جمعیت به سوی مسجد نو به راه افتاده و به افراد حاضر در آنجا پیوستند. بدین ترتیب جمعیت عظیمی در مسجد نو اجتماع کردند. بعد از سخنرانی در مسجد نو جمعیت تظاهرات کننده از سوی خیابان احمدی و سه‌راه احمدی به حرکت درآمدند. گفته می‌شد افراد ناشناس مزبور که در بین جمعیت نفوذ کرده بودند به سرعت به تخریب باجه‌های تلفن، چراغ‌های برق و غیره پرداختند. در این میان نیروهای پلیس به فرماندهی سروان ایروانی رئیس کلانتری ۴ شیراز و سرگرد صداقتیان، با تیراندازی هوایی و پرتاب گاز اشک‌آور تلاش کردند تا جمعیت تظاهرکننده را متفرق نمایند. بدین ترتیب جمعیت به طرف فلکه احمدی مقابل حرم شاه‌چراغ (ع) عقب‌نشینی کردند. با ادامه تیراندازی‌ها خلیل سربی خواهرزاده آیت‌الله دستغیب که در سنین نوجوانی بود به شهادت رسید. مردم پیکر شهید سربی را روی یک لنگه در گذاشته و بر دوش خود به حرکت درآوردند. آن‌ها که برای نخستین بار این صحنه‌ها را مشاهده می‌کردند به شدت عصبانی شده حملات خود به مأموران ضد شورش افزودند مردم با شعار «مرده باد شاه» و با سنگ و چوب به آنان حمله‌ور شدند که در اثر آن تعدادی از نیروهای پلیس مجروح شده و به‌ناچار به خیابان پهلوی عقب‌نشینی کردند. در این میان یک کامیون پر از نیروهای پلیس و یک جیب نظامی که سرهنگ عزلتی بر آن سوار بود، به جلوی جمعیت رسید. وی از جیب پیاده شد و از مردم خواست تا متفرق شوند اما زمانی که با مقاومت مردم روبه‌رو شد به نیروهای پلیس دستور حمله داد (نقیب‌زاده، ۱۳۸۲، ص ۱۰۴).

سپس مردم از طریق خیابان لطفعلی‌خان زند به سوی چهارراه مشیر حرکت کردند که ناگهان نیروهای پلیس فرا رسیده و شروع به تیراندازی به سوی مردم کردند. در اثر تیراندازی، نوجوان ۱۴ ساله‌ای به نام اسدالله پروا مورد اصابت گلوله قرار گرفت. مردم او را بر دوش گرفته و با شعارهای «این نشانه جنایت شاه است، مرگ بر شاه، مرگ بر پهلوی» به حرکت خود ادامه دادند (موسسه فرهنگی هنری مرکز اسناد

انقلاب اسلامی، ۱۳۹۳، ص ۴۰) مردم شیراز که در ماجرای حمله کماندوها به منزل آیت‌الله دستغیب مقاومت فراوانی به خرج داده بودند، بعد از بازداشت این روحانی مبارز نیز در جهت آزادی وی، به رژیم پهلوی فشار زیادی آوردند. سرانجام با فشار افکار عمومی در شیراز، رژیم ناچار شد آیت‌الله دستغیب را آزاد کند (مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۷۸، ص ۱۲۲).

۳. سال‌های پس از ۱۳۴۲

اولین حکومت‌نظامی در چهارم در دوم اردیبهشت سال ۱۳۴۳ اعمال شد و آیت‌الله آیت‌اللهی همراه با آیت‌الله دستغیب و آیت‌الله قاضی دستگیر و در منزل رئیس سازمان امنیت کشور در تهران حصر خانگی شدند. پس از گذشت قریب به سه ماه از دستگیری آیت‌الله آیت‌اللهی ایشان در ۲۸ تیرماه ۱۳۴۳ در میان استقبال مردم به چهارم بازگشتند؛ اما ممنوع المنبر شده بودند. موج دیگر از اعتراضات مردمی در چهارم بعد از سخنرانی تند امام خمینی (ره) در اعتراض به حق کاپیتالاسیون و دستگیری و تبعید ایشان در ۱۳ آبان سال ۱۳۴۳ شکل گرفت. در شیراز نیز آیت‌الله سید عبدالحسین دستغیب در نهایت، پس از چند ماه حبس در زندان قلعه مرغی، هشتم مردادماه از زندان آزاد و به شیراز بازگشتند. در ۱۵ مرداد سال ۱۳۴۳ نیز دادگاهی برگزار شد که در آن ۱۱ تن از سران عشایر محکوم شدند. در سوم آبان سال ۱۳۴۳ نیز آیت‌الله آیت‌اللهی به چهارم بازگشت. در سال ۱۳۴۳ اتفاق مهمی دیگری هم در شیراز رخ داد؛ در سوم بهمن‌ماه این سال، مراسمی که علما در اعتراض به تبعید امام به ترکیه در مسجد آقاباباخان ترتیب داده بودند برگزار شد و آیت‌الله سید عبدالحسین دستغیب در اعتراض به این اقدامات سخنرانی کرد. در چهارم بهمن، آیت‌الله محلاتی نیز ضمن جلسه وعظ در مسجد مولا در این ارتباط گفت: «ای مسلمانان، مملکت، مملکت بدی است. مملکت سرنیزه است. خدا طومارشان را بکند. نمی‌گذارند ما حرف‌های حق را به گوش مردم برسانیم. خمینی را از شهر و مملکتش تبعید می‌کنند. بدانید این دستگاه پابرجا نخواهد ماند» (مدنی، ۱۳۷۱، ص ۷۸).

در ۱۱ فروردین سال ۱۳۴۵، آیت‌الله سید عبدالحسین دستغیب پس از نماز در مسجد جامع عتیق بر منبر رفت و از بی‌عفتی زنان با عنوان تمدن و آزادی انتقاد کرد. وی همچنین در سوم اردیبهشت نیز در سخنانی نسبت به فروش آزادانه مشروب و در خردادماه این سال نیز نسبت به پخش فیلم‌های غیراخلاقی در سینما انتقاد کرد. در ۱۷ فروردین سال ۱۳۴۶، آیت‌الله محلاتی، آیت‌الله دستغیب، سید مجدالدین مصباحی، صدرالدین حائری و چند تن از علما و روحانیون در منزل سید حسین یزدی جمع

شدند و نامه‌ای را در اعتراض به لایحه حمایت از خانواده نوشتند و به پیرنیا استاندار فارس تحویل دادند تا به نخست‌وزیر تحویل دهد. در تاریخ ۱۶ شهریور سال ۱۳۴۶ برای اولین بار، ۶۰ هنرجو و ۶۰ هنرمند از سوی وزارت فرهنگ و هنر برای برگزاری جشن هنر انتخاب و در بیستم شهریورماه و با سفر فرح دیبا به شیراز، اولین بار جشن هنر افتتاح شد. در تاریخ ۵ اسفند سال ۱۳۴۶ و در پی دستگیری آیت‌الله ربانی شیرازی، روحانیون شیراز از جمله آیت‌الله محلاتی و آیت‌الله دستغیب، ضمن ارسال تلگرافی به آیت‌الله خوانساری و سید محمدتقی فلسفی، با اظهار تأسف از بازداشت آیت‌الله ربانی شیرازی، از روحانیون خواستند برای آزادی وی تلاش کنند. (جهان مهین و عباسی زاده؛ شیراز ۱۳۹۰، ص ۷۸) در ۱۳ آذر سال ۱۳۴۷، ساواک با توجه به سلسله سخنرانی‌های اعتراض‌آمیز آیت‌الله دستغیب، به وی تذکر داد که در صورت ادامه سخنرانی‌ها وی را ممنوع المنبر می‌کند، آیت‌الله دستغیب اما در تاریخ ۱۷ آذر مجدداً نسبت به وضع سینماها سخنرانی انتقادآمیزی کرد. در مهرماه سال ۱۳۴۹، بنا به دعوت آیت‌الله شیخ بهاء‌الدین محلاتی، شیخ محمدتقی فلسفی برای سخنرانی در دهه اول ماه مبارک رمضان وارد شیراز شد. در دهم مهرماه مجدداً آیت‌الله ربانی شیرازی در قم دستگیر شد که با تعهد کتبی آیت‌الله شریعتمداری آزاد گردید. سخنرانی شیخ محمدتقی فلسفی در شیراز و در مسجد ولیعصر با استقبال و ازدحام زیاد همراه بود و ساواک از ادامه سخنرانی‌های شیخ محمدتقی فلسفی در شب‌های بعد ممانعت به عمل آورد. این امر باعث شد تا در بیستم مهرماه، عده‌ای از علما و روحانیون شیراز از جمله، آیت‌الله محلاتی، محمدجعفر طاهری، شیخ مجدالدین محلاتی، سید محمدباقر آیت‌اللهی، سید عبدالحسین دستغیب، سید مجدالدین مصباحی با ارسال تلگرافی به آیت‌الله خوانساری، نسبت به قطع سخنرانی شیخ محمدتقی فلسفی اعتراض کنند. در ۲۶ تیرماه ۱۳۵۰، آیت‌الله ربانی شیرازی از قم به شیراز آمد تا فعالیت‌هایی را علیه جشن‌های ۲۵۰۰ ساله آغاز کند. وی در تاریخ ۷ شهریور به علت فعالیت علیه جشن‌های ۲۵۰۰ ساله، تکثیر و توزیع سخنرانی امام خمینی (ره) و سخنرانی‌های انتقادآمیز دستگیر و به زندان قزل‌قلعه منتقل شد. هم‌زمان در ۸ شهریور نیز، دوره پنجم جشن هنر با حضور فرح دیبا افتتاح شد، وی در سفر خود به شیراز، از فعالیت‌های جشن‌های ۲۵۰۰ ساله در تخت جمشید نیز بازدید کرد (آدمیت، ۱۳۸۸، ص ۸۱).

آیت‌الله ربانی که در جریان اعتراض به جشن ۲۵۰۰ ساله بازداشت شده بود در اول تیرماه سال ۱۳۵۱، آزاد شد. همچنین با توجه به اعتراضات گروه مهندس طاهری در جریان جشن ۲۵۰۰ ساله و بازداشت یکی از اعضای این گروه در ۹ تیرماه ۱۳۵۱، ۴۰ تن دیگر از اعضای این گروه لو رفتند و دستگیر شدند.

در فروردین ماه سال ۱۳۵۱ گروهی به نام "سربازان خمینی" توسط آیت‌الله آیت‌اللهی برای کمک به زلزله‌زدگان قیروکارزین در جهرم تشکیل شد. سخنرانی تند آیت‌الله آیت‌اللهی و اعلام جنگ علیه اسرائیل در شب میلاد امام حسن (ع) در حسینیه کوی علی پهلوان در تاریخ ۹ شهریور ۱۳۵۲ موجب دستگیری ایشان شد. دستگیری مجدد ایشان که نتیجه سخنرانی‌های مستمر وی برای تبلیغ مرجعیت امام خمینی (ره) بود و انتقال وی به تهران در ۱۱ آذر ۱۳۵۲ از دیگر حوادث صورت گرفته در آن دوران بود. در اردیبهشت سال ۱۳۵۵ اعلام می‌شود که شاه قصد سفر به جهرم را دارد اما اقدامات مردم انقلابی با دیوارنوشته و پارچه نوشته‌هایی خطاب به شاه همچون "مقدمت را گلوله باران می‌کنیم" و "به قتلگاه خود خوش آمدی" مانع از حضور شاه در جهرم می‌شوند. در شهریور سال ۱۳۵۲، هفتمین دوره جشن هنر شیراز با حضور فرح دیبا برگزار شد، همچنین در ۶ آذر سال ۱۳۵۲، ساواک به علت اظهارات متعدد آیت‌الله سید عبدالحسین دستغیب در منبرهای مختلف وی را ممنوع المنبر کرد.

۴. واکنش رژیم پهلوی به مراسم چهلم سیدمصطفی خمینی در شیراز

سید مصطفی خمینی فرزند ارشد امام خمینی در اول آبان ۱۳۵۶، در نجف به طور مشکوکی به شهادت رسید. انتشار این خبر انعکاس گسترده‌ای در ایران و در محافل خارج از کشور پیدا کرده و واکنش‌هایی را به دنبال داشت. از طرف علما و روحانیون در قم، تهران و سایر شهرستان‌ها مراسم ترحیم برگزار شد و مردم به طور گسترده در این مراسم شرکت کردند و بدین ترتیب موج جدیدی از تظاهرات علیه رژیم پهلوی در کشور به پا شد. یکی از استان‌هایی که این مراسم باشکوه تمام در آن برگزار شد استان فارس بود. در آستانه چهلم سید مصطفی خمینی، قرار بود حجت‌الاسلام حسن روحانی به دعوت آیت‌الله سید علی‌اصغر دستغیب با عزیمت به شیراز در مسجد الرضای این شهر به سخنرانی بپردازد، اما در هنگام عزیمت وی به شیراز در فرودگاه مهرآباد مأموران ساواک از سفر وی جلوگیری کرده بودند. از این رو آیت‌الله سید علی‌اصغر دستغیب، پیش‌نماز مسجد مزبور در این روز پس از برگزاری نماز مغرب و عشاء در حالی که حدود ۵۰۰ نفر - که غالباً از جوانان و دانشجویان بودند- در مسجد حضور داشتند به منبر رفت. وی ضمن سخنرانی نسبت به ممانعت از مسافرت حسن روحانی به شیراز اعتراض کرد و اظهار داشت: «چنان که مسبوقید از آمدن وی [حسن روحانی] ممانعت شده و آن‌هایی که دم از آزادی بیان می‌زنند، خبری نیست... در مملکت اسلامی رباخواری و مشروبات الکلی را به طور کلی منع کرده ولی می‌بینیم به طور علنی بطری‌های مشروب در پشت شیشه‌های مشروب فروشی به نمایش گذاشته‌اند...» وی در پایان

برای سلامتی امام خمینی (ره) دعا کرده و از حاضران در مجلس خواست برای پیروزی ملت فلسطین دعا کنند. در هنگام خروج نمازگزاران از مسجد عده‌ای به سر دادن شعار «درود بر خمینی، سلام بر خمینی» به خیابان‌ها ریختند که با حضور مأموران شهربانی، معترضان متفرق شدند و یکی از دانشجویان به نام محمود نیلی به وسیله نیروهای شهربانی بازداشت شد. تظاهرات و وقایع مزبور شیراز در مطبوعات داخلی انعکاس پیدا کرد. این وقایع قبل از برگزاری مراسم چهلم رخ داد و به نوعی پیش زمینه‌های این مراسم بود.» (تفرشی و طاهر احمدی؛ ۱۳۷۱، ص ۸۰).

روز ۱۱ آذر ۱۳۵۶ مراسمی به عنوان چهلم سید مصطفی خمینی در مسجد جامع شیراز برگزار شد. در این مراسم شیخ علی گرامی یکی از روحانیونی که از قم به شیراز آمده بود، سخنرانی کرد. وی ضمن برشمردن نقش علما در جنبش‌های سیاسی تاریخ معاصر، در پایان ابراز داشت که در حال حاضر باید کلیه شیعیان، هرچند تعداد مرجع تقلید زیاد باشد، برای همبستگی از یک مرجع پیروی کنیم و بقیه خاموش باشند و آن شخص هم آیت‌الله خمینی است. در پایان این مراسم نیز همانند سابق حاضران ضمن سر دادن شعار علیه رژیم پهلوی و به حمایت از امام خمینی اقدام به راهپیمایی کردند. ادامه مراسم مزبور و راهپیمایی‌ها، واکنش محمدرضا پهلوی و مقامات مرکزی را برانگیخت. لذا با دستور به مقامات امنیتی محرکین و مسببین این حرکت‌ها مورد تعقیب قرار گرفتند. از این رو در شیراز، در روز ۱۸ آذر ۱۳۵۶ سید علی‌محمد دستغیب و نعمت‌الله تقاء دستگیر شدند. این دوران که هم‌زمان با اجرای سیاست فضای باز سیاسی دولت جمشید آموزگار بود، بر اساس تغییر تاکتیک و تظاهر به اجرای قانون، افرادی که دستگیر می‌شدند از طریق دادگستری برای آن‌ها پرونده‌سازی می‌شد و محاکمه صورت می‌گرفت. بدین ترتیب آنان را پس از محاکمه در دادگستری در زندان عادل‌آباد زندانی می‌کردند. مدتی بعد نیز دو تن از فعالان سیاسی دیگر شیراز یعنی سید جعفر عباس زادگان و رجبعلی طاهری دستگیر شدند.» (تفرشی و طاهر احمدی؛ ۱۳۷۱، ص ۸۰) علاوه بر این در مراسم دیگری که در یکی از مساجد شیراز با سخنرانی آیت‌الله ربانی شیرازی، در ۲۶ آذر ۵۶ برگزار شد، وی سخنان تندی علیه رژیم پهلوی ایراد کرد. لذا بلافاصله پس از خاتمه سخنرانی، وی دستگیر و به تهران منتقل و در زندان کمیته مبارزه با خرابکاری زندانی شد. پس‌لرزه‌های مراسم چهلم سید مصطفی خمینی در شیراز تا اواخر آذر همچنان ادامه داشت و مردم را به دلایل مختلف به خیابان‌ها می‌کشاند (مرکز اسناد انقلاب اسلامی؛ ۱۳۷۸، ص ۶۹).

۵. واکنش مردم شیراز به کشتار مردم قم در ۱۹ دی ۱۳۵۶

در روز ۱۹ دی ۱۳۵۶، به دنبال توهین روزنامه اطلاعات به ساحت مرجعیت امام خمینی (ره)، گروهی از طلاب و مردم قم با حضور در خیابان‌ها به تظاهرات پرداختند. بازار تعطیل شد و در چند نقطه‌ی شهر بین مردم و مأمورین انتظامی درگیری به وجود آمد. نیروهای پلیس و کماندوهای ارتشی برای متفرق کردن آن‌ها مبادرت به تیراندازی کردند که در نتیجه عده‌ای شهید و مجروح شدند. به خون کشیده شدن تظاهرات مردم قم واکنش مردم و روحانیون در سراسر ایران را برانگیخت. یکی از بزرگ‌ترین اعتراضات به جنایت رژیم پهلوی در قم، در شیراز به نمایش گذاشته شد.

در شیراز آیت‌الله محلاتی که نقش عمده‌ای در مبارزات مردم این شهرستان ایفا می‌کرد، در واکنش به واقعه ۱۹ دی قم با ارسال نامه‌ای به علمای قم از جمله آیات گلپایگانی، مرعشی نجفی و شریعتمداری درخواست کرد که در برخورد با قضیه‌ی ۱۹ دی آرام ننشینند. علاوه بر این، علما و روحانیون در مساجد ضمن سخنرانی، با اشاره به واقعه‌ی ۱۹ دی قم، به انتقاد از مقامات حکومتی پرداختند. آیت‌الله دستغیب در شب ۲۲ دی در مسجد جامع شیراز طی سخنانی اظهار داشت: «[آیت‌الله] خمینی (ره) مرجع تقلید چند میلیون شیعه می‌باشد و چون روزنامه‌ی اطلاعات به وی تهمت‌هایی زده، طبق قانون، عاملین امر بایستی تحت تعقیب قرار گرفته از یک تا سه سال زندانی شوند». وی سپس از مردم خواست تا برای سلامتی امام خمینی (ره) صلوات بفرستند (آدمیت، ۱۳۸۸، ص ۸۴). پس از خروج شرکت‌کنندگان از مسجد عده‌ای از حاضران ضمن حرکت در میدان شاه‌چراغ مبادرت به تظاهرات و سر دادن شعار نمودند. بنا به گزارش ساواک شیراز، در این تظاهرات، پلیس دو نفر به نام‌های حسن امیر پور فرزند علی و علی مجتهد زاده فرزند حسین را دستگیر کرد. در شب ۲۳ دی نیز حجت‌الاسلام مجدالدین محلاتی در مسجد ولی‌عصر واقع در خیابان داریوش شیراز مبادرت به سخنرانی کرد. بنا بر گزارش ساواک شیراز، وی ضمن تأیید و حمایت از آیت‌الله خمینی برای سلامتی ایشان دعا نمود، لذا در هنگام خروج حاضران، عده‌ای شروع به سر دادن شعار «مرگ بر شاه» و «زنده‌باد خمینی» نموده که با مداخله‌ی پلیس، تظاهرات کنندگان متفرق شدند. اما ۱۹ نفر از شعار دهندگان به دست نیروهای شهربانی دستگیر شدند. پس از سخنرانی آیت‌الله دستغیب و حجت‌الاسلام مجدالدین محلاتی در شب‌های ۲۲ و ۲۳ دی‌ماه، در ۲۴ دی نیز سید احمد پیشوا در مسجد نو سخنرانی کرد، اما به دلیل اینکه نیروهای پلیس شهربانی از محل برگزاری مراسم و سخنرانی از قبل اطلاع داشتند، با محاصره‌ی مساجد مزبور از تظاهرات جلوگیری کردند. از این رو از

طرف علما و روحانیون مقرر گردید که امامان جماعت در هر مسجد بدون دعوت قبلی به منبر رفته و موضوع اهانت به امام خمینی و جریان کشتار قم را برای مردم بازگو کنند که دولت چگونه در قم مردم را به مسلسل بسته است و به همین جهت در مردم ایجاد انزجار نمایند. از آنجایی که مقامات امنیتی برگزاری سلسله سخنرانی‌های مزبور روحانیون را موجب افزایش تحرکات مردم و گسترش دامنه‌ی اعتراض‌ها در شیراز می‌دانستند، تصمیم گرفتند که اقداماتی به منظور جلوگیری از برگزاری سخنرانی‌های مزبور به عمل آورند. از این رو با درخواست شهرداری فارس در شورای هماهنگی در ۲۴ دی ۱۳۵۶ تصویب گردید که به آیت‌الله دستغیب و حجت‌الاسلام مجدالدین محلاتی تذکرات لازم داده شود که چنانچه به روند فعلی خود ادامه دادند، تصمیمات مقتضی درباره‌ی آنان به عمل آید.

از این رو مقامات اطلاعات شهرداری ضمن تماس با اشخاص مزبور، تذکرات شفاهی را به آنان ابلاغ کردند. حجت‌الاسلام مجدالدین محلاتی در پاسخ اظهار داشت درج مقاله در روزنامه‌ی اطلاعات با عنوان «ایران و استعمار سرخ و سیاه» و «واقعه‌ی ۱۹ دی قم» همه‌ی روحانیون و مردم را متأثر کرده است و در این چند روز، از شهرهای مختلف تحت فشار قرار گرفته‌اند. وی در ادامه افزود: چنانچه مسببین وقایع مزبور مورد تعقیب قرار نگیرند، احتمال وجود دارد که در شیراز به منظور اعتراض به اقدامات مزبور برگزاری نماز جماعت در مساجد تعطیل شود. با وجود این در روز پنج‌شنبه ۲۹ دی ۱۳۵۶ هم‌زمان با شهرهای تهران، مشهد، اصفهان، تبریز و اهواز در شیراز نیز به عنوان اعتراض علیه اقدامات دولت در شهر قم، بازار به حالت تعطیل درآمد و پس از نماز مغرب و عشاء نیز در مساجد مراسم هفتم شهدای قم برگزار شد (نصیری طیبی؛ ۱۳۹۳، ص ۵۱) علاوه بر این، در چهلم شهدای قم نیز مراسمی در شیراز برگزار شد. همگام با علما و روحانیون در تهران، قم و سایر شهرستان‌ها در شیراز نیز آیت‌الله بهاء‌الدین محلاتی با صدور اعلامیه‌ای ضمن اعلام عزای عمومی به مناسبت بزرگداشت چهلمین روز شهدای قم در روز ۲۹ بهمن ۱۳۵۶ از مردم خواست تا با بستن بازار در مراسم برگزار شده در مساجد شرکت کنند. علاوه بر این تعدادی اعلامیه از طرف روحانیون قم و سایر شهرستان‌ها در شیراز توزیع شد که در آن اعلامیه‌ها از مردم خواسته شده بود در مراسم چهلمین روز شهدای قم شرکت کنند. علاوه بر این، در روز ۲۷ بهمن ۱۳۵۶ آیت‌الله دستغیب در مسجد جامع، آیت‌الله سید علی‌اصغر دستغیب در مسجدالرضا، آیت‌الله سیداحمد پیشوا در مسجد نو، آیت‌الله مجدالدین محلاتی در مسجد ولی‌عصر ضمن اشاره به واقعه‌ی قم و اعلام فتوای آیت‌الله محلاتی و سایر علما مبنی بر عزای عمومی در ۲۹ بهمن از مردم

خواستند تا در مراسم ترحیم شهدا در روز مزبور شرکت کنند. بدین ترتیب در روز ۲۹ بهمن ۱۳۵۶ بازار شیراز هم‌زمان با بازارهای تهران، کرج، کاشان، اصفهان، نجف‌آباد، جهرم، بابل و زنجان و تبریز تعطیل شد و مردم به تبعیت از اعلامیه‌ی علما برای اعلام انزجار از جنایت رژیم پهلوی در ۱۹ دی در مساجد حضور یافتند.

۶. مراسم چهلم شهدای ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ در شیراز

در آستانه اعتصاب عمومی به مناسبت چهلمین روز شهدای ۱۷ شهریور در شیراز و برخی دیگر از شهرها تظاهرات گسترده‌ای صورت گرفت. "چله‌ها" در تاریخ انقلاب اسلامی از اهمیت خاصی برخوردار است؛ به‌طوری‌که هر بار برگزاری مراسم چهلم شهدای انقلاب، موج جدیدی از تظاهرات علیه رژیم پهلوی را شکل می‌داد. یکی از چله‌های مهم در طول تاریخ انقلاب، چهلم شهدای ۱۷ شهریور بود که به ویژه بعد از تأکید امام خمینی، در شهرهای مختلف از جمله تهران، اصفهان، شیراز، کرمان و ... برگزار شد. (رضوی اردکانی؛ ۱۳۸۵، ص ۵۴) با اعلام عزای عمومی در روز دوشنبه ۲۴ مهر به مناسبت چهلمین روز شهادت شهدای ۱۷ شهریور و سالگرد شهادت آیت‌الله سید مصطفی خمینی، آیت‌الله بهاء‌الدین محلاتی نیز در ۲۱ مهر ضمن صدور اعلامیه‌ای از اعلام روز دوشنبه به عنوان عزای عمومی حمایت کرد. لذا در آستانه اعتصاب عمومی به مناسبت چهلمین روز شهدای ۱۷ شهریور در شیراز و برخی دیگر از شهرها تظاهرات گسترده‌ای صورت گرفت. بنا بر گزارش ساواک، مردم در مقابل صحن شاه‌چراغ (ع) تجمع کردند که با دخالت پلیس متفرق شدند. اما گروه‌های پراکنده در چند خیابان شیراز با سر دادن شعار در حمایت از امام خمینی، دست به تظاهرات زدند که در نتیجه دخالت مأموران انتظامی، ۲۹ نفر از تظاهرکنندگان دستگیر و متفرق شدند. با وجود این، درگیری‌ها در شیراز همسو با سایر مناطق کشور ادامه داشت. در همین رابطه کارکنان پالایشگاه شیراز در ۲۹ مهر دست به اعتصاب زدند. پیرو اعتصاب غذای زندانیان سیاسی زندان قصر تهران و زندان تبریز، زندانیان سیاسی زندان عادل‌آباد نیز دست به اعتصاب غذا زدند. انگیزه این اقدام حمایت از مبارزات ملت ایران و اعلام همدردی با خانواده‌های مصیبت‌دیده وقایع اخیر اعلام شد (جهان مهین جهرمی؛ ۱۳۸۴، ص ۶۱). یکی دیگر از اتفاقاتی که هم‌زمان با چهلم شهدای ۱۷ شهریور رخ داد، آزادی آیت‌الله دستغیب از زندان بود. آیت‌الله دستغیب که در کمیته مشترک ضدخرابکاری زندانی بود، در ۲۴ مهر ۵۷ آزاد شد. به دنبال اعلام خبر آزادی آیت‌الله دستغیب، در شیراز حدود ۱۵۰ نفر از جوانان در حالی که چند نفر از طلبه‌های مدرسه حکیم شیراز در جلوی آنان بودند از مسجد جامع خارج

و با سر دادن شعار "سربازان بی‌گناه فرمانده شما خائن است" مبادرت به تظاهرات نمودند که با دخالت مأموران انتظامی متفرق شدند. مقارن ظهر نیز عده‌ای دیگر از جوانان و طلاب پس از خروج از مسجد جامع در میدان شاه‌چراغ (ع) اجتماع کرده و در حمایت از آزادی آیت‌الله دستغیب شعار سر دادند که این تجمع هم در اثر دخالت مأموران خاتمه یافت (جهان مهین چهارمی؛ ۱۳۸۴، ص ۶۲).

۷. حمله مأموران به مردم در مسجد حبیب شیراز ۱۳۵۷

از اوایل سال ۱۳۵۷، مردم شیراز بعد از سخنرانی روحانیون در منبرهای مساجد مختلف این شهر، اقدام به برپایی راهپیمایی و تظاهرات علیه رژیم پهلوی می‌کردند تا اینکه در آبان همین سال در یک حرکت برنامه‌ریزی‌شده عمال رژیم پهلوی با حمله به مسجد حبیب شیراز اوج قساوت خود را نشان دادند. در روز ۲۸ آبان ۱۳۵۷ مصادف با عید غدیر خم، مردم شیراز در مسجد حبیب اجتماع کرده و مشغول استماع سخنرانی بودند. در اثنای سخنرانی علی‌اکبر مکارم مشهور به رضوانی، با دخالت افسری به‌نام سرهنگ عطاالله قاسمی بین مأموران و تجمع‌کنندگان در مسجد درگیری به وجود آمد. طولی نکشید اجتماع‌کنندگان به گلوله بسته شدند. در این جریان سه نفر به شهادت رسیدند و عده زیادی هم مجروح شدند. روزنامه اطلاعات واقعه مزبور را چنین گزارش کرده است: حدود سه هزار نفر از مردم این شهر [شیراز] در مسجد جامع حبیب اجتماع کردند. به دنبال جنایت رژیم پهلوی در مسجد حبیب، آیت‌الله بهاء‌الدین محلاتی اعلامیه‌ای منتشر کرد که در بخشی از این اعلامیه آمده بود: «و‌الاسف، با اینکه این مجلس مذهبی در کمال آرامش در گوشه‌ای از شهر بزرگ شیراز برگزار می‌شد و هیچ‌گونه بی‌نظمی و تخریب که مجوز مداخله نیروهای نظامی به زعم آنان باشد، مشهود نبود و شعاری جز صلوات و ادای احترام به پیشوایان مذهبی که رژیم مدعی علاقه و احترام به آنان است مشهود نبود، درحالی‌که خطیب گویای اهمیت عید غدیر در اسلام بود، ناگهان بدون هیچ‌اخطار قبلی تانک‌هایی که از ثروت عمومی مردم خریده شده و باید برای حفظ جان و مال مردم در موقع هجوم بیگانگان به کشور به کار برده شود، مردم را گلوله‌باران کرد و عده‌ای را مقتول و مجروح نمود.» پس از این جنایت، به پیشنهاد آیت‌الله محلاتی یک هفته عزای عمومی اعلام شد و در شیراز مردم با نصب پرچم سیاه بر دکاکین و مغازه‌ها و مؤسسات در این عزای ملی شرکت کردند. به گزارش کنسولگری امریکا پس از این اعلامیه «دوشنبه و سه‌شنبه (۲۹ و ۳۰ آبان) بازار و نصف دیگر مغازه‌های شهر و به طور بالقوه تمام شیراز به عنوان اعتراض بسته بود.» (شفیعی چهارمی؛ ۱۳۸۰، ص ۱۰۳).

۸. راهبری مبارزات مردم شیراز

با شدت یافتن اعتراضات مردم شیراز به محوریت علما و در رأس آن‌ها آیت‌الله دستغیب، مأموران رژیم پهلوی به منظور جلوگیری از افزایش دامنه اعتراضات، دست به اقدامات ایذایی زدند و در روز ۲۴ تیرماه ۱۳۵۷ آیت‌الله دستغیب را در منزلش دستگیر کرده به نقطه نامعلومی منتقل کردند. علت این اقدام سخنرانی‌های انتقادآمیز وی و تحریک مردم به تظاهرات علیه رژیم پهلوی اعلام شد. اما پس از آزادی آیت‌الله دستغیب، وی مجدداً به سخنرانی‌های خود ادامه داد. از این رو بر اساس روال معمول شب‌های جمعه بازم در شب ۲۹ تیر ۱۳۵۷ در مسجد جامع به ایراد سخنرانی ضد رژیم پرداخت و طبق معمول پس از سخنرانی وی مردم به خیابان‌ها ریخته و با پخش عکس‌های امام خمینی دست به تظاهرات زدند. اما با دخالت مأموران رژیم پهلوی درگیری بین طرفین به وجود آمد که نیروهای پلیس مبادرت به تیراندازی به سوی مردم کردند که در نتیجه آن دو نفر مجروح شدند که یکی از آنان به نام علی‌اکبر رستمی در بیمارستان به شهادت رسید. علاوه بر شیراز در دیگر شهرها از جمله جهرم و استهبان تظاهرات مردم با سرکوب همراه بود که در جهرم نیز جوان ۱۸ ساله‌ای به نام جهانگیر کارگر شهید شد. طی روزهای بعد مراسم تشییع شهدا نیز به میتینگی علیه رژیم پهلوی تبدیل شد و عده‌ای نیز در جریان تظاهرات دستگیر شدند. اقدامات مزبور موجب شد مخالفان دامنه تحرکات خود را به ویژه در مقابله با برگزاری جشن هنر شیراز افزایش دهند. این اقدام موجب شد در روز ۵ مرداد در جلسه شورای هماهنگی استان فارس که با حضور منوچهر آزمون، استاندار فارس، تشکیل شد، تصمیماتی برای مقابله با اقدامات مزبور اتخاذ شود. در این جلسه مقرر شد از اماکن برگزاری جشن مراقبت بیشتری به عمل آید. استاندار گفت از محمدرضا پهلوی و فرح خواهد خواست در صورت امکان مراسم به صورت محدود و تنها در تخت جمشید و نقش رستم برگزار شود. بر همین اساس به رسانه‌های گروهی هم ابلاغ شد تا از تبلیغات غیرضروری در زمینه جشن هنر خودداری کرده و تا اطلاع ثانوی از فروش بلیط و نصب پوستر در اماکن عمومی صرف نظر کنند. این در حالی بود که مبارزان شیراز اعلام کرده بودند: «اگر به قیمت خون ما تمام شود از برگزاری جشن هنر در ماه مبارک رمضان در شهرستان شیراز جلوگیری می‌نماییم» (تفرشی و طاهر احمدی؛ ۱۳۷۱، ص ۷۹). اعتراضات و مخالفت‌هایی که از خردادماه ۱۳۵۷ در ارتباط با برگزاری جشن هنر شیراز آغاز شده و در نهایت به تظاهرات گسترده ماه رمضان و سرکوب خونین معترضان منجر شده بود، سرانجام رژیم پهلوی را به تسلیم در برابر خواسته‌های مخالفان وادار کرد. لذا سازمان جشن و

هنر اعلام کرد به علت وقوع حوادث اخیر در شهرهای اصفهان و شیراز، جشن هنر شیراز و دومین جشن فرهنگ مردم اصفهان امسال برگزار نخواهد شد. علاوه بر این، جشنواره فیلم‌سازان آسیا (آ.بی.یو) نیز که همه‌ساله بلافاصله پس از جشن هنر شیراز در این شهر برگزار می‌شد به تهران منتقل شد. بدین ترتیب مبارزات مردم شیراز با محوریت علما که در رأس آن‌ها آیت‌الله دستغیب بود به لغو جشن هنر شیراز منجر شد.

۹. کشتار مردم شیراز توسط رژیم پهلوی در رمضان سال ۵۷

در ماه مبارک رمضان ۱۳۵۷ علمای اعلام، طلاب و وعاظ محترم، به سراسر کشور و حتی روستاهای دورافتاده اعزام شدند و همگی کشور را آماده‌ی قیام نموده و انقلاب را به همه جا گسترش دادند. به مناسبت فرارسیدن ماه مبارک رمضان، حضرت امام خمینی (ره) پیام مهمی صادر فرمودند. پیام‌های سازنده و پی‌درپی امام و رهبر، جان تازه‌ای در کالبد انقلاب اسلامی می‌دمید و مسیر انقلاب را روشن می‌ساخت. پیام گهربار امام در روزهای اول ماه رمضان تهیه و در تیراژ زیاد تکثیر شد و در سطح وسیع در شهر و روستاهای سیرجان توزیع گردید و در حقیقت دستورالعمل فعالیت‌های انقلابیون در ماه مبارک رمضان را صادر و وظیفه‌ی هر یک از گویندگان، مستمعین، ائمه‌ی جماعت و... را مشخص فرمودند. با انتشار پیام هدایتگر و مدیرانه‌ی حضرت امام خمینی (ره)، نوع فعالیت همه در ماه مبارک رمضان، مشخص شد و مساجد همانند یک سنگر رزم، آماده‌ی پذیرایی از ملت مبارز ایران شد. با فرارسیدن ماه رمضان در شیراز مساجد رونقی دیگر پیدا کرد. یکی از این مساجد، مسجد نو بود که آقای سید احمد پیشوا یکی از روحانیون مبارز شیراز در آنجا سخنرانی می‌کرد. این مسجد از اول ماه رمضان شاهد سخنرانی‌های ضد رژیم بود که هرروز منجر به تظاهرات خیابانی می‌شد. روز ۱۹ مرداد ۵۷ مطابق با پنجم ماه رمضان بنا به دعوت آیت‌الله شیخ بهاء‌الدین محلاتی برای همدردی با مردم اصفهان و کازرون جمعیت زیادی در مسجد نو تجمع کردند و آقای سید احمد پیشوا برای آن‌ها سخنرانی کرد. پس از اتمام جلسه شرکت‌کنندگان در خیابان‌ها دست به تظاهرات زدند. پلیس بر روی آن‌ها آتش گشود و در نتیجه ده‌ها تن از آنان مورد اصابت گلوله قرار گرفتند و تعداد زیادی نیز دستگیر شدند. نیروهای رژیم به مسجد نیز حمله کردند و به ضرب و شتم مردم روزه‌دار پرداختند. روزنامه اطلاعات گزارش داد: «در تظاهرات شیراز ۳ نفر کشته و عده‌ای مجروح شدند» (مرکز اسناد انقلاب اسلامی؛ ۱۳۸۶، ص ۴۵). به دنبال این وقایع علمای شیراز با صدور اطلاعیه‌هایی ضمن تشریح اعمال خلاف انسانی عمال رژیم، روز هفتم ماه

رمضان را روز عزای عمومی اعلام کردند. روحانیون در تشریح حادثه نوشتند: «عصر پنجشنبه پنجم رمضان هنگامی که مردم بی‌دفاع و بی‌سلاح در مسجد نو شیراز مشغول انجام فرایض مذهبی بودند، بی‌شرمانه مورد هجوم ناجوانمردانه افراد مسلح پلیس و نظامی قرار گرفتند و این حمله در مدت کوتاهی ده‌ها کشته و صدها زخمی به‌جای گذاشت». مراجع تقلید قم، علمای مشهد و یزد و بعضی شهرستان‌ها با صدور اطلاعیه‌هایی به این جنایت رژیم پهلوی واکنش نشان دادند. به دنبال گسترش تظاهرات و جنایات رژیم پهلوی در شیراز و اصفهان، امام خمینی پیامی خطاب به ملت ایران صادر کردند. ایشان در این پیام با استناد به سیره مبارزاتی پیامبر (ص) و امام علی (ع) فرمودند: «ملت باید بداند که آزادی خواهان جهان به‌آسانی به آزادی دست نیافته‌اند». امام خمینی با اشاره به کشتار مردم در اصفهان و شیراز خطاب به نیروهای نظامی و انتظامی فرمودند: «جنایات و قتل‌عام‌هایی که شاه بر آنان تحمیل می‌کند حاصلی جز بدنامی و ننگ برای آنان ندارد». برای چه کسی دست به برادرکشی می‌زنند؟ برای «شخصی که به اسلام و ناموس و آزادی شما ضربات پیاپی وارد می‌کند؟... شما به عذر مأموریت، برادران دینی خود را به گلوله می‌بندید که مسئولیت آن علاوه بر شاه با خود شما است. باید به حکم خداوند از فرمان ستمگران که شما را به قتل و ظلم امر می‌کنند سربیزی کنید». امام در این پیام از تمام اقشار جامعه خواستند که «جهت آگاهی درجه‌داران ارتش و ژاندارمری و شهرداری کوشش کنند و برای سرنگونی این جانی با لذات آنان را به تشریک‌مساعی دعوت نمایند». ایشان در این پیام شعار استراتژیک مردم را نیز مشخص نمودند و از طلاب و دانشجویان خواستند تا «از هر فرصت استفاده کرده و شعار ضد شاهی را که شعار اسلام است زنده نگه‌دارند». امام خمینی در پایان از جمیع طبقات خواستند تا «برای نجات خویش به پا خیزند و با هر وسیله ممکن در دفع این مفسد فی‌الارض اقدام کنند» و افزودند که «امروز سکوت در مقابل این ستمگر و بی‌تفاوتی در برابر این جنایتکار برخلاف مصالح عالی‌ه اسلام و مخالف سیره انبیاء عظام و ائمه اطهار (ع) است». پیام امام خمینی در موقعیت مناسب رمضان و قرائت آن بر روی منابر تأثیر بسیار مهمی را در هیجان عمومی از خود به‌جا گذاشت (حائری، ۱۳۶۰، ص ۶۳).

لغو جشن هنر شیراز در سال ۱۳۵۷

جشن هنر هرساله در شیراز برگزار می‌شد و در سال ۵۷ نیز مانند هرسال قرار بود این مراسم در فاصله ۱۲ شهریور مطابق با شب عید فطر تا ۲۱ شهریور به اجرا درآید. اما از اوایل تابستان آن سال، علمای شیراز با محوریت آیت‌الله سید عبدالحسین دستغیب به طور علنی بر روی منابر مخالفت خود را با

برگزاری جشن هنر شیراز اعلام کردند. بنا بر گزارش ساواک استان فارس «بین مردم شایع شده است چنانچه امسال مراسم جشن هنر در ماه مبارک رمضان برگزار شود از طرف مجتهدین جهاد اعلام خواهد شد.» آیت‌الله دستغیب از اوایل تابستان سلسله سخنرانی‌هایی در مسجد جامع شیراز در مخالفت با برگزاری جشن هنر آغاز کرد. اولین سخنرانی وی در شب جمعه اول تیرماه ۱۳۵۷ بود. وی بعد از قرائت دعای کمیل، رژیم پهلوی را مورد انتقاد شدید قرار داد و پس از پایان این سخنرانی شرکت‌کنندگان دست به تظاهرات زدند. دو روز بعد نیز وی در سخنرانی دیگری ضمن انتقاد صریح از جشن هنر شیراز از مردم خواست تا با حضور در مساجد و سر دادن شعار، مخالفت خود را در این ارتباط ابراز کنند. لذا پس از خاتمه سخنرانی مزبور شرکت‌کنندگان دست به تظاهرات زدند. در نتیجه با دخالت پلیس و درگیری بین طرفین سرانجام تظاهرکنندگان متفرق شدند (شفیعی جهرمی؛ ۱۳۸۰، ص ۱۰۷). ساواک در گزارشی درباره وقایع روز سوم تیرماه در شیراز نوشت: «سید عبدالحسین دستغیب ساعت ۲۲ روز ۳ تیر ۵۷ در مسجد جامع پس از خواندن دعای کمیل روی منبر اظهار داشته: مردم! امروز، روز غربت اسلام است. جوان‌ها باید در مساجد اجتماع کنند و شعار اسلامی بدهند. آن‌ها می‌خواهند که شما به طرف سینما و مراکز فساد بروید و نام خدا را از یاد ببرید. آن‌ها جشن هنر را می‌آورند ولی ما توجهی به این‌ها نداریم و به جشن آن‌ها نمی‌رویم و به سوی خدا می‌رویم و دیگر نمی‌دانند که آن‌ها نمی‌توانند با این روش دین اسلام را ضعیف کنند... در خاتمه دعا کرده خدایا مراجع تقلید ما را نگه‌دار؛ خصوصاً آیت‌الله خمینی را که مردم سه بار صلوات فرستادند. ساعت ۲۳ مردم ضمن خروج از مسجد در محوطه شاه‌چراغ مبادرت به فرستادن صلوات بر خمینی نمودند که بلافاصله به وسیله مأموران حاضر، متفرق گردیدند.» این پایان کار نبود بلکه چند روز بعد و در ۸ تیرماه شیراز باز هم صحنه تظاهرات گسترده مردم علیه جشن هنر بود. به گواهی اسناد، در این روز با حضور عده زیادی از مردم در مسجد جامع شیراز، آیت‌الله دستغیب بر اساس سنت معمول جمعه‌شب‌ها به سخنرانی پرداخته و مردم را به مبارزه علیه برنامه‌های رژیم پهلوی ترغیب کرد. در همین رابطه ساواک گزارش داد: «پس از خاتمه سخنرانی مزبور، شرکت‌کنندگان ضمن سردادن شعار دست به تظاهرات زدند و در خیابان‌های اطراف به راه افتادند. اما با حضور پلیس درگیری بین طرفین به وجود آمد که تظاهرکنندگان با پرتاب سنگ به سوی پلیس به تظاهرات ادامه دادند. لذا پلیس با استفاده از گاز اشک‌آور آنان را متفرق و سه تن از تظاهرکنندگان را دستگیر کرد. در این حادثه سه نفر از مأمورین پلیس به علت اصابت سنگ مجروح شدند. همچنین در ساعت ۱۱ شب ۸ تیرماه نیز گروهی از مردم پس

از خروج از مسجد، دست به تظاهرات زدند و مبادرت به شعارهای ضد رژیم کردند. لذا با دخالت مأموران انتظامی و استفاده از گاز اشک‌آور تظاهرکنندگان متفرق شدند اما دو نفر از آنان دستگیر شدند. لیکن گروهی از آنان به طرف خیابان احمدی راه افتادند و هنگامی که قصد برپایی اجتماع و سردادن شعار داشتند، از سوی مأموران متفرق شدند». حضور گسترده مردم شیراز در راهپیمایی روز ۸ تیرماه علیه جشن هنر انعکاس وسیعی در رسانه‌های خارجی داشت. رادیو لندن در این باره گفت: «پلیس در این حادثه سه نفر از جمله یک روحانی را بازداشت کرده است» (شفیعی جهرمی؛ ۱۳۸۰، ص ۱۰۳). روزنامه‌های «دیلی تلگراف» و «گاردین» ضمن انتشار گزارش‌هایی از تظاهرات در ایران، در ارتباط با تظاهرات مردم شیراز نوشتند: «تظاهرکنندگان را رهبران مسلمان شیعه تحریک کرده بودند. این رهبران خواستار به دست آوردن قدرت بیشتری در امور برای روحانیت هستند و به برخی از اقدامات حکومت شاه معترض هستند». مبارزات مردم شیراز با جشن هنر طی روزهای بعد هم ادامه داشت. محور این مبارزات همچون روزهای قبل آیت‌الله دستغیب بود. با سخنرانی وی در شب جمعه ۱۲ تیرماه بار دیگر خیابان‌های شیراز به صحنه تظاهرات و درگیری با پلیس تبدیل شد. جریان از این قرار بود که آیت‌الله دستغیب در هنگام ایراد سخنرانی، به شدت رژیم پهلوی را مورد حمله قرار داده و اعلام کرد که امسال مردم از برگزاری جشن هنر در شیراز به هر نحو ممکن جلوگیری خواهند کرد. لذا پس از خاتمه سخنرانی وی، عده زیادی از حاضرین در مجلس ضمن سر دادن شعارهای «مرگ بر شاه» و «زنده باد خمینی» به خیابان آمدند که در نتیجه با دخالت پلیس درگیری بین طرفین آغاز شد که این درگیری‌ها تا پاسی از شب در خیابان احمدی و اطراف حرم شاه‌چراغ (ع) ادامه یافت. هم‌زمان با این وقایع امام خمینی اعلام کردند با توجه به خون‌ریزی‌های رژیم پهلوی و عزاداری مردم، از هرگونه مراسم جشن و چراغانی و شادمانی در سوم و پانزدهم شعبان خودداری شود. این موضوع باعث شد در شیراز زمینه مخالفت با برگزاری جشن هنر گسترش یابد. بنا بر گزارش ساواک در تاریخ ۱۷ تیر تعدادی از روحانیون شیراز از جمله آیت‌الله دستغیب، آیت‌الله بهاء‌الدین محلاتی، حجت‌الاسلام مجدالدین محلاتی، سید مجدالدین مصباحی، سید احمد ساجدی و شیخ یحیی فلسفی اعلام کردند به منظور مقابله با برگزاری جشن هنر شیراز، تشکیلاتی تحت عنوان "اتحادیه روحانیون شیراز" به وجود آمده است (علیان‌نژاد و نشر سوره مهر؛ ۱۳۹۲، ص ۴۳). در ادامه اقدامات روحانیون در مخالفت با برگزاری جشن هنر، در روز ۲۲ تیرماه ۱۳۵۷ حجت‌الاسلام مجدالدین محلاتی بعد از اقامه نماز جماعت در مسجد مولا در شیراز به منبر رفته

ضمن ایراد سخنرانی اظهار داشت: «باز آقایان خیال دارند امسال برنامه جشن هنر را مجلل‌تر از سال‌های گذشته برگزار نمایند. از هم‌اکنون اعلام می‌کنیم اگر جلوی جشن هنر را بگیرند که بسیار خوب؛ در غیر این صورت ما مجبوریم اینجا را ترک کنیم، خودتان می‌دانید. امر به معروف و نهی از منکر وظیفه هر فرد مسلمان می‌باشد. باید از جشن هنر جلوگیری کنید. البته علمای شیراز تصمیم گرفته‌اند که از اول ماه مبارک رمضان در مساجد برای جلوگیری از این برنامه تلاش کنند. هر چند خیال دارند این برنامه را بعد از ماه رمضان اجرا نمایند، امسال جشن تولد حضرت حجت را طبق اعلام روحانیون بزرگ نمی‌گیرند. ولی باید سخنرانان شجاع درباره تولد حضرت حجت در مساجد برای مردم صحبت کنند.» یکی از حوادث مهمی که در سال ۵۷ در این شهر (شیراز) اتفاق افتاد و رژیم شاه را ناتوان کرد، حادثه پنجم رمضان مصادف با شهریور ۵۷ بود که در مسجد جامع شهدا (نو)، پس از سخنرانی مرحوم آیت‌الله پیشوا و سر دادن شعارهای انقلابی از جانب مردم، ساواک و پلیس حمله کردند و دو نفر شهید و عده‌ای نیز مجروح شدند. سپس در مسجد حبیب شیراز از هوا و زمین به مردم حمله کردند و عده‌ای شهید و مجروح شدند. (علیان‌نژاد و نشر سوره مهر؛ ۱۳۹۲، ص ۴۴)

۱۰. مبارزات مردم با رژیم پهلوی در ۲۸ صفر سال ۱۳۵۷

هم‌زمان با سالروز رحلت پیامبر (ص) و شهادت امام حسن مجتبی (ع) با دعوت آیات عظام و علمای شیراز و با برنامه‌ریزی کمیته هماهنگی تظاهرات، راهپیمایی بزرگی در روز ۷ بهمن ۱۳۵۷ در شیراز برپا شد. در این گردهمایی و تظاهرات بسیاری از اقشار مختلف مردم شیراز از جمله روحانیان، فرهنگیان، بازاریان، دانشگاهیان، اصناف، کسبه، کشاورزان، عشایر و کارکنان ادارات شرکت داشتند. تظاهرکنندگان پس از راهپیمایی در خیابان‌های شهر به طرف قبرستان دارالرحمه شیراز عزیمت کردند. در این مکان حجت‌الاسلام مجدالدین محلاتی و شیخ علی موحد سخنانی ایراد کردند و اعلامیه‌هایی نیز از سوی اقشار مختلف، در اعلام همبستگی با انقلاب قرائت شد. در خاتمه نیز شرکت‌کنندگان مقبره شهدای اخیر را گل‌باران کردند (حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی؛ ۱۳۷۵، ص ۴۱). در گزارش روزنامه اطلاعات از تظاهرات ۷ بهمن در شیراز آمده است: «حدود یکصد و پنجاه‌هزار نفر از اهالی شیراز در صحن مطهر حضرت شاه‌چراغ (ع) و مسجد جامع این شهر اجتماع کردند. ابتدا حجت‌الاسلام مجدالدین محلاتی سخنانی ایراد کرد و بعد پیام‌های دانشجویان دانشگاه شیراز، کارکنان صنایع الکترونیک، پیام مورخ ۲۶ صفر امام خمینی و پیام عشایر مسلح فارس قرائت شد». هم‌زمان با شیراز در سایر شهرستان‌ها و مناطق

استان فارس از جمله: فسا، کازرون، جهرم، مرودشت، سپیدان، داراب، فیروزآباد و استهبان مردم به راهپیمایی و تظاهرات مبادرت ورزیدند. آنان برقراری جمهوری اسلامی، بازگشت امام خمینی به ایران، برکناری دولت بختیار و برکناری نمایندگان مجلس شورای ملی را خواستار شدند.

۱۱. همبستگی ارتش با انقلابیون شیراز در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷

عصر ۲۲ بهمن پرسنل مرکز زرهی شیراز با تانک‌های خود در خیابان به مردم پیوسته و درحالی که تصاویر امام خمینی را روی تانک‌ها نصب کرده بودند، در خیابان‌های شهر به حرکت درآمدند. بدین ترتیب در حوالی غروب آن روز در فارس رسماً پیروزی انقلاب اعلام گردید. در این میان نباید نقش مؤثر آیت‌الله بهاء‌الدین محلاتی و آیت‌الله دستغیب را فراموش کرد. آن‌ها در پیام هوشمندانه‌ای که برای ارتشیان ارسال کردند و در این پیام به خوبی اشاره کردند که ارتشیان از ملت ایران می‌باشند و هرگونه بدرفتاری با ارتشیان را از سوی مردم، حرام اعلام کردند. محمدرضا پهلوی با پشتوانه غرب و اتکا به ارتش، امید به سرکوبی انقلاب اسلامی مردم ایران داشت. اما امام خمینی (ره) با پیام هوشمندانه‌ای این نقشه شوم محمدرضا پهلوی را خنثی کردند. با انتشار پیام امام مبنی بر فرمان نبرد ارتش از عمال رژیم پهلوی و پیوستنشان به مردم، موج عظیمی از ارتشیان به مردم پیوستند. در این میان مردم با شعارهای وحدت‌آفرین خود و اهدای گل به نظامیان و ارتشیان، توطئه رژیم پهلوی را خنثی کردند و در روزهای پایانی مهم‌ترین اتفاقی که منجر به پیروزی انقلاب اسلامی شد، پیوستن ارتش به صف مبارزین علیه رژیم پهلوی بود» (شفیعی جهرمی؛ ۱۳۸۰، ص ۱۰۴).

نتیجه‌گیری

در پیروزی انقلاب اسلامی، روحانیت با اتکای به اسلام ناب و بازسازی اندیشه دینی توانست اصلاحاتی عمیق و بنیادین در نظام اجتماعی به وجود آورد که شکل‌گیری یک نظام دینی و طرح دین در قالب یک نظام در راستای همین مقوله است. واقعیت امر این است که روحانیت شیعه ایران در میان مردم زندگی نموده و ارتباط بسیار نزدیک‌تری با آن‌ها داشته و نتیجتاً از احساسات اغلب مردم آگاهی بیشتری دارند. در همین زمینه روحانیون مساجد را به عنوان پایگاهی به منظور مبارزه با رژیم پهلوی قرار دادند. شبکه ارتباطی روحانیت و سیستم مسجد، قدرت تماس با همه اقشار مردم را برای آن‌ها فراهم می‌کند. در سیستم روحانیت ایران سلسله‌مراتب رسمی وجود ندارد و برخلاف سیستم‌های متمرکز سیاسی مانند احزاب سیاسی رابطه خشک مافوق و مادون بر آن حکومت نمی‌کند بلکه صرفاً یک رابطه قلبی و معنوی گروه‌های اجتماعی را با روحانیون و در نهایت با رهبران مذهبی پیوند می‌دهد و از این طریق دستورات و نظرات رهبران مذهبی به مرحله اجرا درآمده و با هماهنگی لازم به آن‌ها عمل می‌شود. در طول این پژوهش آشکار شد که به واقع علمای فارس نقش مهمی در پیروزی انقلاب اسلامی داشته‌اند. این امر در نقش علمای فارس در رهبری و به حرکت درآوردن مردم در حرکت‌های اعتراضی و پیام‌های امام خمینی (ره) به خوبی نمایان است. هسته‌ی اصلی برنامه‌ریزی‌ها و به حرکت درآوردن مردم در استان فارس به نقش پررنگ علمای فارس همچون شهید آیت‌الله دستغیب، آیت‌الله محلاتی، آیت‌الله آیت‌اللهی، آیت‌الله پیشوا، آیت‌الله حائری و... بر می‌گردد. این علما نقش مهم و تأثیرگذاری در روند حرکت‌های اعتراضی منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی داشتند. به شکلی که در اعتراض به برگزاری جشن‌های ۲۵۰۰ ساله، جشن فرهنگ و هنر و اعتراض به وضعیت سیاسی و اجتماعی موجود، نمود پیدا کرده و این استان را به کانون توجه انقلابیون کشور تبدیل کرد تا عزم همگانی برای سرنگونی رژیم گذشته به وجود آید. حضور علما و مردم فارس در صحنه مبارزاتی انقلاب به حدی پررنگ بود که انقلاب اسلامی در شیراز در تاریخ ۲۱ بهمن سال ۵۷ به پیروزی رسید و تمام موقعیت‌های رژیم شاهنشاهی در این شهر در این روز در اختیار انقلابیون قرار گرفت و مردم دسته‌دسته برای کمک به مردم شهرهای دیگر از جمله شهرستان چهارم حرکت کردند و در نهایت صبح روز ۲۲ بهمن مردم شیراز در حرم مطهر حضرت شاه‌چراغ (ع) اجتماع نموده و تصمیم گرفتند پس از راهپیمایی، با اتوبوس و مینی‌بوس‌هایی که مهیا شده بود، برای کمک به انقلابیون عازم تهران شوند.

منابع

- آدمیت، فریدون. (۱۳۸۸). **ایدئولوژی نهضت مشروطه ایران**، تهران، نشر گستره.
- باقری، علی. (۱۳۷۸). **خاطرات ۱۵ خرداد**؛ علی باقری؛ نشر حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی؛ تهران.
- تفرشی، مجید. (۱۳۷۱). **گزارش‌های محرمانه شهربانی** (چند جلد)؛ نشر سازمان اسناد ملی ایران؛ تهران.
- جهان مهین جهرمی، مجید رضا. (۱۳۸۴). **اثر آفرینان جهرم**؛ نشر راسخون؛ قم.
- جهان مهین، مجید رضا، عباسی‌زاده، محمد. (۱۳۹۰). **شهرستان جهرم در انقلاب اسلامی**؛ نشر آثار ماندگار؛ شیراز.
- حائری، عبدالهادی. (۱۳۶۰). **تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق**، تهران، امیرکبیر.
- حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی. (۱۳۷۵). **روزشمار انقلاب اسلامی**؛ انتشار حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی؛ تهران.
- خمینی (امام)، سید روح اله. (۱۳۷۸). **صحیفه امام خمینی** (ره)؛ انتشار مؤسسه تنظیم آثار امام خمینی (ره) و نشر عروج؛ تهران.
- دفتر ادبیات انقلاب اسلامی. (۱۳۷۸). **ساواک و روحانیت** (چند مجلد)؛ نشر دفتر ادبیات انقلاب اسلامی؛ تهران.
- دوانی، علی. (۱۳۷۷). **نهضت روحانیون ایران**؛ نشر مرکز اسناد انقلاب اسلامی؛ تهران.
- شفیعی جهرمی، بهاء‌الدین. (۱۳۸۰). **جهرم و شخصیت‌های روحانی**؛ نشر تخت جمشید؛ شیراز.
- عرفان منش، جلیل. (۱۳۷۶). **نهضت پانزده خرداد در استان فارس**. مجله پانزده خرداد. دوره اول، شماره ۲۵، بهار ۱۳۷۶.
- علیان‌نژاد، میرزا باقر. (۱۳۹۲). **از تبعید تا پیروزی** (زندگی‌نامه و خاطرات آیت‌الله‌العظمی مکارم شیرازی)؛ نشر سوره مهر وابسته به حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی؛ تهران.

- مدنی، جلال‌الدین. (۱۳۷۱). **تاریخ معاصر سیاسی ایران**، ج ۱، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- مرکز اسناد انقلاب اسلامی. (۱۳۷۸). **خاطرات آیت‌الله سید علی اصغر دستغیب**؛ مرکز اسناد انقلاب اسلامی؛ تهران.
- مرکز اسناد انقلاب اسلامی. (۱۳۸۵). **خاطرات آیت‌الله سید ابوفاضل رضوی اردکانی**؛ مرکز اسناد انقلاب اسلامی؛ تهران.
- مرکز اسناد انقلاب اسلامی. (۱۳۷۴). **اسناد انقلاب اسلامی**؛ انتشار: مرکز اسناد انقلاب اسلامی؛ تهران.
- مرکز اسناد انقلاب اسلامی. (۱۳۸۶). **خاطرات و مبارزات آیت‌الله حاج سید عبدالعلی آیت‌اللهی**؛ مرکز اسناد انقلاب اسلامی؛ تهران.
- مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات (۱۳۷۹). **روایت پایداری (مبارزات آیت‌الله ربانی شیرازی)**؛ نشر مرکز بررسی اسناد؛ تهران.
- نصیری طیبی، منصور. (۱۳۹۳). **انقلاب اسلامی در شیراز**؛ مرکز اسناد انقلاب اسلامی؛ تهران.
- نقیبزاده، احمد. (۱۳۸۲). **نقش روحانیت شیعه در انقلاب اسلامی ایران**، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی